احسان خواجه امیری

احسان خواجه امیری اولین کنسرتش را در سال ۸۴ در کیش برگزار کرد. وی تاکنون کنسرت‌های موفقی در شهرهای مختلف ایران برگزار کرده است. کنسرت او در سال ۸۶ در هفت سانس در تالار وزارت کشور مورد استقبال بی‌نظیری قرار گرفت. در رمضان ۸۷ آهنگسازی برای سریال «مثل هیچکس» را به عهده گرفت. فضای این سریال اقتضا می‌کرد موسیقی هم فضای سنتی داشته باشد. آلبوم چهارم احسان خواجه‌امیری بهمن ۸۷ منتشر شد.

تهیه‌کننده سریال به صبا گفت:

«لبخند ماهی‌ها» با بودجه اندک ساخته شد

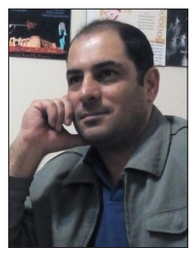

فرنوش ارس خانی: مینی سریال «لبخند ماهی‌ها» که قرار بود از سه‌شنبه ۲۹ مهر در سه قسمت ۴۵ دقیقه‌ای از شبکه دوم سیما پخش شود، در نهایت روی آنتن نرفت و پخش آن به بعد از ماه محرم و صفر موکول شد. محسن دانشور تهیه‌کننده این سریال در رابطه با این تأخیر، طی صحبت‌هایی که با صبا داشت، گفت: این سریال به خاطر فضای طنزی که داشت، به علت فوت آیت‌اله مهدوی کنی، سه‌شنبه شب پخش نشد و در نهایت شبکه تصمیم گرفت زمان دیگری برای پخش آن در نظر بگیرد.

«لبخند ماهی‌ها» که ابتدا در قالب یک تله‌فیلم ساخته شده بود، اما در نهایت تغییر ساختار پیدا کرد و به یک مینی‌سریال ۳ قسمتی تبدیل شد. با توجه به این که قبلاً هم شبکه دو با پخش مینی‌سریال «بین خودمونه بمونه»، دست به چنین اقدامی زده بود و از دل تله‌فیلم‌ها، مینی‌سریال‌های ۳ و ۴ قسمتی ساخته بود، اما این اتفاق دوباره برای این سریال هم افتاد. تهیه‌کننده «لبخند ماهی‌ها» در این باره خاطرنشان کرد: من فکر می‌کنم بروز این مسئله، رویکرد خوب و متناسبی نسبت به تله‌فیلم‌هایی که قدرت و کشش تبدیل به یک سریال کم حجم را دارند، به ارمغان بیاورد. با این که این نوع کارها با بودجه بسیار اندکی ساخته می‌شوند، اما رقابت خوبی هم می‌توانند با سریال‌هایی که با بودجه‌های سنگین‌تر ساخته می‌شوند و در نهایت مخاطب و بازتاب خوبی هم ندارد، داشته باشند. او همچنین ادامه داد: طبیعتاً این سریال به خاطر سکانس‌های بیشتری که

داشت، قدرت تبدیل به یک سریال ۳ و ۴ قسمتی را هم داشت. طی مذاکراتی که با کارشناسان شبکه دو داشتیم و به خاطر فضایی که این سریال داشت، شبکه با تصمیم ما موافقت کرد و کار تبدیل به یک مینی‌سریال شد.

او همچنین در رابطه با فضای این سریال و انتخاب بازیگران آن افزود: داستان این سریال فضای مفرح و طنزآمیزی دارد و ساختار آن بیشتر به طنز موقعیت شباهت دارد. شخصیت اصلی این سریال را کامران تفتی بازی می‌کند و شخصیت او هم به خاطر فضای کمدی کار، در موقعیت‌های طنزی قرار می‌گیرد. «لبخند ماهی‌ها» با نام قبلی «معصومانه در خواب» به کارگردانی سعید بصیری و نوشته فرهاد طب نوری، زندگی جوانی را به تصویر می‌کشد که به دلیل متارکه پدر و مادرش تنها شده است. او به خاطر ارثی که از پدربزرگش به او می‌رسد، سعی می‌کند زندگی‌اش را تغییر دهد.

حسین تبریزی، کارگردان مجموعه مناسبتی شبکه۲ در گفتگو با صبا:

«رخنه» روایت محک خوردن و صبر آدم‌هاست

نژلا پیکانیان

شبکه دو امسال نیز سریال «رخنه» که متناسب با حال و هوای محرم است را برای پخش در این ایام در نظر گرفته. این سریال از ابتدای محرم به روی آنتن رفته و به مدت ده شب مهمان مخاطبان این شبکه است. «رخنه» داستان مردی تقریباً پنجاه ساله به نام وحید را روایت می‌کند که کارگاه ساخت ابزار تعزیه و عزاداری مثل علم، کتل، چلچراغ و طبل دارد. او این شغل را از پدرش به ارث برده و سال‌هاست در این زمینه فعالیت می‌کند، اما درست زمانی که باید وسایل عزاداری یکی از هیئت‌های مذهبی را آماده کند با مشکلی روبه‌رو می‌شود که حل آن ساده نیست و... این مجموعه تلویزیونی سال گذشته نیز از همین شبکه پخش شد و به دلیل استقبال زیاد مخاطبان امسال نیز بازپخش شد. به همین بهانه سراغ حسین تبریزی کارگردان و نویسنده این مجموعه رفتیم تا از جزئیات سریالش بیشتر بدانیم.

چطور شد که امسال در ایام محرم شبکه دو تصمیم به پخش مجدد سریال «رخنه» گرفت؟

من در جریان جزئیات این تصمیم نبودم و دوستان به من گفتند امسال هم سریال «رخنه» در باکس پخش از شبکه دو در ماه محرم قرار گرفته، اما می‌دانم که سال قبل استقبال بسیار خوبی از کار شده بود و با توجه به آمار نظرسنجی‌هایی که من را در جریانش قرار داده بودند می‌دانم که مخاطبان این سریال را دوست داشتند. من فکر می‌کنم این موضوع و البته قصه سریال که به ماه محرم مربوط می‌شد دلیل پخش مجدد «رخنه» است. اتفاقاً من به عنوان یک فیلمساز با این حرکت موافق هستم و به نظرم کاری که مورد استقبال قرار می‌گیرد و امکان پخش آن هم وجود دارد، تکرار آن هم می‌تواند بازتاب خوبی داشته باشد.

امسال تا کنون هیچ کدام از شبکه‌ها سریال جدید محرمی پخش نکرده‌اند، بازپخش «رخنه» هم ممکن است به این دلیل بوده که شبکه دو سریال جدید نداشته؟

تا جایی که من اطلاع دارم شبکه دو قرار بود سریال جدید برای این ایام داشته باشد، ولی معمولاً بر اساس تجربه‌های قبلی این شبکه دهه اول کاری را پخش نمی‌کنند و اگر هم کاری باشد احتمالاً بعد از عاشورا و تاسوعا روی آنتن می‌رود. فکر می‌کنم امسال هم برنامه‌شان همین باشد و کاری را برای بعد از این ایام و برای دهه دوم در نظر گرفته‌اند.

در «رخنه» بازیگران جوان و پیشکسوت در کنار هم داستان را جلو می‌برند، اتفاقی که معمولاً در کارهای دیگر کمتر می‌افتد، فکر می‌کنید این موضوع چقدر روی مخاطب تأثیرگذار است؟

من به عنوان کارگردان وقتی می‌خواهم فیلمی را بسازم در درجه اول به شخصیت‌های داستانم و بازیگرانی که برای آن‌ها در نظر گرفتم فکر می‌کنم. در این کار نویسنده هم خودم بودم و از ابتدا به همه نقش‌ها فکر کرده بودم. آقای عنایت بخشی از پیشکسوتانی هستند که مخاطب از بازی‌های ایشان خاطره خوبی دارد. من برای انتخاب بازیگر حاج محمود گزینه‌های زیادی نداشتم، چون بازیگران پیشکسوت ما که در این سن و سال هستند ترجیح می‌دهند کار نکنند. از آنجایی که داستان سریال ما یک مقدار سنت گراست ایشان را بهترین گزینه برای ایفای این نقش دیدم، چون می‌دانستم مردم نوع ادبیاتی و لحنی که آقای بخشی دارند را قبول می‌کنند و با او همراه می‌شوند. ضمن این که قصه ما به خاطر باور دراماتیکی که داشت به من اجازه می‌داد افرادی را در مجموعه بیاورم که بیننده با آن‌ها همراه شود و خط داستانی را با توانایی‌هایشان جلو ببرند. خوشحالم که بازیگران توانمندی در این سریال با ما همکاری کردند.

تا جایی که من اطلاع دارم شبکه دو قرار بود سریال جدید برای این ایام داشته باشد، ولی معمولاً بر اساس تجربه‌های قبلی این شبکه دهه اول کاری را پخش نمی‌کنند و اگر هم کاری باشد احتمالاً بعد از عاشورا و تاسوعا روی آنتن می‌رود. فکر می‌کنم امسال هم برنامه‌شان همین باشد و کاری را برای بعد از این ایام و برای دهه دوم در نظر گرفته‌اند

چقدر خواستید با این انتخاب‌ها تقابل نسل‌ها را هم به تصویر بکشید؟

اتفاقاً یکی از موضوعاتی که باید به آن اشاره کنم همین است. به تصویر کشیدن داستان و قصه نسل‌ها در این سریال مشهود است. نسل جدیدی که دغدغه و مشغله‌های خودش را دارد و در مقابل نسل قدیمی که عقاید و ایدئولوژی فکری خودش را دارد. در کنار این‌ها یک نسل عقب‌تر او نیز پایبندی خاصی به سنت‌ها دارد و همه این‌ها در قصه بیان شده‌اند.

معمولاً در کارهای مناسبتی ما قصه به گونه‌ای طراحی می‌شود که قهرمان داستان در نهایت اتفاقات مثبتی برایش می‌افتد و یا در مقابل ضد قهرمان به سزای اعمالش می‌رسد یا یک شبه متحول می‌شود و همه چیز ختم به خیر می‌شود. بعد از گذشت این همه سال فکر می‌کنید هنوز پایان‌های اینچنینی برای مخاطب جذابیت دارد؟

برعکس صحبت شما «رخنه» خیلی با خوشی و خوبی تمام نمی‌شود. قصه‌ای که ما انتخاب کردیم مقداری تلخ، اما مملو از امید است. قصه ما قصه صبر است و محک خوردن یک آدم در برابر مشکلات و فشارهایی که به او رو می‌آورد. کسی که با وجود تمام این فشارها از اعتقاد و باورش دست نمی‌کشد و باز هم صبوری پیشه می‌کند. تمام هدف من در این سریال این بود که مرام کدخدا منشی که در قدیم وجود داشت و خیلی هم زیبا بود ولی متأسفانه الان کمرنگ شده را یادآوری کنم. سعی کردم محلی را به تصویر بکشم که به نوعی تمثیلی از کوفه باشد. افراد مختلفی به این محله می‌آیند و خیر و شر اتفاق می‌افتد و گرفتار مشکلاتی می‌شوند و در نهایت پای کدخدا وسط می‌آید. «رخنه» قصه خیر و شر است و در فینال آنچه مخاطب تصور می‌کند اتفاق نمی‌افتد. نمی‌خواهم بگویم پایان قصه باز است اما نتیجه‌گیری نهایی را به عهده بیننده گذاشتم.

برخلاف سایر مناسبت‌ها که تلویزیون از چند ماه قبل برنامه‌های خاصی را تدارک می‌بیند، اما برای محرم و سریالسازی در این ایام برنامه‌ریزی مدونی وجود ندارد. چقدر تلویزیون باید این فرصت را در اختیار فیلمسازان قرار دهد؟

تا آنجایی که من می‌دانم و تجربه‌های قبلی‌ام ثابت کرده، غالباً تلویزیون از این مورد استقبال می‌کند و اگر یک مقدار کمبود در این زمینه وجود دارد شاید بخشی از آن به خود ما برگردد. ضمن این که متأسفانه این تصور وجود دارد که در یک کار مناسبتی حتماً باید المانی از آن مناسبت خاص وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت کار مناسب پخش در آن ایام نیست، اما واقعیت این است که ما در زمینه سریالسازی محرم نیاز به تحقیق و مطالعه بیشتری داریم تا بتوانیم پیام عاشورا را در بطن کارهایمان به تصویر بکشیم؛ نه فقط مراسم عزاداری. به عقیده من باید تلاش کنیم اهدافی که اباعبداله(ع) در کربلا مدنظرشان بوده و نیتی که داشتند را درک کنیم و در لایه‌های زیرین آن‌ها تحقیق کنیم و بعد آن‌ها را در کارهایمان منتقل کنیم، طوری که تبدیل به شعار نشوند و برای بیننده ملموس و قابل‌فهم باشند. ما در سریالسازی محرمیمان باید به این سمت برویم و من می‌دانم که تلویزیون هم قطعاً استقبال خواهد کرد.

چقدر در کارهای مناسبتی که می‌سازید به این موضوع قائل هستید؟

من تمام سعی‌ام را کردم ولی واقعاً امیدوارم این اتفاق در کارهایم افتاده باشد و فقط خودم احساس نکنم اینطور بوده. این حس باید به مخاطب هم انتقال پیدا کند تا من و کارم موفق شویم. فلسفه دین اسلام یعنی اخلاق‌گرایی و معرفت. من کارهای دیگری هم برای مناسبت‌هایی مثل شب قدر ساختم و تمام تلاشم به عنوان یک کارگردان این بوده که بتوانم تا جایی که قصه این اجازه را به من داده این مفاهیم را در کارهایم منتقل کنم. قصه‌ای که روایت می‌شود هدف ما را مشخص می‌کند، نه فقط المان‌های بصری که در کار استفاده می‌کنیم. همه تلاش من این بوده که با دیدن کارم حال خوبی به بیننده‌ها دست بدهد و بتوانم تأثیر مثبتی روی آن‌ها بگذارم چون به عقیده من همه هدف فیلمساز این قضیه است. از بابت باز پخش سریالم هم خیلی خوشحالم چون نهایت و غایت آروزی یک فیلمساز این است که کارش دیده شود و فکر می‌کنم این اتفاق درباره «رخنه» خوشبختانه افتاده است.

دیدگاه

گونه‌شناسی برنامه‌های محرمی تلویزیون

انتظار محرم در حریم تصویر

سیدرضا صائمی: هر مناسبتی چه ملی چه مذهبی می‌تواند بهانه و دستمایه برنامه‌سازی قرار بگیرد. محرم و مراسم آن، یکی از این موارد است که قبل از این که کارهای مناسبتی به یک مد رسانه‌ای بدل شوند، واجد برنامه‌های ویژه و خاص خود بود. واقعیت این است که برنامه‌های تلویزیون را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به برنامه‌های ثابت و فصلی یا مناسبتی طبقه‌بندی کرد. مثلاً بخش اخبار یا سریال هفتگی و شبانه به عنوان برنامه‌های روتین تلویزیون جایگاه ثابت و مشخصی در جدول پخش این رسانه دارند، چنانچه سرمقاله و یادداشت در رسانه‌های مکتوب چنین جایگاهی دارند، اما تلویزیون مثل هر رسانه دیگری برای مناسبت‌های مختلف، ویژه برنامه‌هایی نیز تدارک می‌بیند که برای همان دوره زمانی خاص، تولید و پخش می‌شوند. البته به دلیل حجم بالای مناسبت‌های ملی و مذهبی ما تقریباً در هر ماه، شاهد تعدادی از این ویژه‌برنامه‌ها هستیم، اما در این میان دو ماه رمضان و محرم به واسطه ریشه داشتن در سنت و حضور آیینی و اعتقادی که در جامعه و نزد مردم دارند، گستره بیشتری از برنامه‌های تلویزیونی را به خود اختصاص می‌دهند و حتی لحن و شمایل ظاهری برنامه‌های تلویزیون را متفاوت کرده و حس و حال دیگری به آن می‌بخشند. مثلاً لحن و شیوه گویندگی مجریان و رنگ لباس آن‌ها یا نوع دکورسازی و رنگ‌آمیزی برنامه‌ها، به ویژه در ماه محرم، تغییر می‌کند و با فضای عمومی جامعه و مقتضیات این ماه هماهنگ می‌شود. جالب این که بسیاری از برنامه‌های روتین تلویزیون به احترام این ماه و سوگواری‌های آن متوقف شده یا پیش از شروع این ماه به پایان می‌رسد. اگر بخواهیم با رویکردی گونه‌شناسی به ویژه برنامه‌های تلویزیون نگاه کنیم، باید آن را به سه گروه عمده برنامه‌های نمایشی، برنامه‌های غیرنمایشی یا ترکیبی و برنامه‌های آیینی-سوگواری تقسیم‌بندی کرد. برنامه‌های نمایشی که عمده آن پخش سریال محرمی است، قصه‌هایی را روایت می‌کند که محرم و مناسبات آن مثل عزاداری به عنوان مؤلفه اصلی داستان برجسته می‌شود یا برخی مفاهیم، انگاره‌ها و پیام‌های اخلاقی مرتبط با کربلا و عاشورا در بستر یک درام به تصویر کشیده می‌شود. سریال‌های ماه رمضانی معمولاً ۳۰ قسمتی و سریال‌های ماه محرم نیز اغلب ۱۰ قسمتی هستند. در بخش نمایشی، شاهد پخش فیلم‌های سینمایی‌ای هستیم که با محوریت کربلا ساخته شده‌اند. در این میان، نمایش فیلم «روز واقعه» سهم بیشتری داشته است که در سال‌های اخیر مختارنامه جایگزین آن شده است. در این بخش البته شاهد نمایش تله‌فیلم‌هایی نیز هستیم که با مضمونی عاشورایی تولید شده‌اند.

در بخش ترکیبی و غیرنمایشی نیز انواع میزگردها و برنامه‌های گفت‌وگومحور را می‌بینیم که به تجزیه و تحلیل نهضت حسینی و فلسفه قیام امام حسین(ع) می‌پردازند. این برنامه‌های کلامی به دو شکل ساخته می‌شوند یا در خود صدا و سیما و استودیوها تولید شده یا به‌صورت پخش سخنرانی‌های خطیبان معروف در مساجد تأمین می‌شوند. نمایش برخی مستندهای مربوط به آیین محرم را هم می‌توان در همین خصوص تقسیم‌بندی کرد. یکی از برنامه‌های خوبی که سال‌ها پیش در این ارتباط پخش شد، برنامه‌ای درباره برگزاری آیین تعزیه در نقاط مختلف ایران بود که توسط دکتر جابر عناصری، محقق و پژوهشگر تعزیه مورد تفسیر قرار می‌گرفت. نوع سوم از ویژه برنامه‌های تلویزیون در ماه محرم که اتفاقاً بیشترین حجم برنامه‌ها را نیز به خود اختصاص می‌دهد، انواع عزاداری‌ها و نوحه‌خوانی‌هاست که در فواصل برنامه‌های ثابت و مناسبتی روی آنتن می‌رود. نشان دادن دستجات عزاداری، سینه‌زنی و زنجیرزنی و مراسم سوگواری از مهم‌ترین اجزای این برنامه‌ها هستند که به نوعی واجد خصوصیتی مستندگونه‌اند، به ویژه این که برخی از آن‌ها سویه مردم‌شناختی و فرهنگ‌شناسانه نیز دارند و آیین و مناسبات بومی و منطقه‌ای را نسبت به مناسبات ماه محرم به تصویر می‌کشند.

درواقع محرم و مناسبات آن در سه پرده در تلویزیون منعکس می‌شود و رسانه تلویزیون، محرم را در سه شمایل نمایشی، ترکیبی و آیینی روایت می‌کند. با این حال به نظر می‌رسد به تنوع و تمهیدات خلاقانه‌ای در تولید مناسبت‌های محرمی نیاز است تا برنامه‌ها صرفاً به نوحه‌خوانی و سخنرانی‌های مذهبی ختم نشوند یا دست‌کم طرح و ساختار متفاوتی به خود بگیرند. ساخت کلیپ و نماآهنگ‌های ویژه محرم نیز می‌تواند بر جذابیت‌های برنامه‌های محرم بیفزاید. واقعیت این است که ماه محرم به واسطه ذات مناسک و مراسمی بودنش بستر و زمینه مناسب‌تری برای تولید انواع برنامه‌های غیرنمایشی است تا نمایشی؛ از این ظرفیت باید ظریفانه بهره برد.

عاشورایی

«گنجشک و جبرئیل» همگام با محرم در شبکه آموزش

محرم در تلویزیون فقط به فیلم و سریال‌هایی که متناسب با این ماه تولید می‌شوند محدود نمی‌شود و خیلی از برنامه‌های دیگر شبکه‌های مختلف سیما نیز حال و هوای این ماه را می‌گیرند. یکی از این برنامه «گنجشک و جبرئیل» است که از شبکه آموزش پخش می‌شود.

«گنجشک و جبرئیل» نامی وام گرفته از اثر رفیع زنده یاد دکتر سید حسن حسینی است که همزمان با آغاز ماه محرم از شبکه آموزش سیما پخش می‌شود.

برنامه «گنجشک و جبرئیل» به مناسبت ماه محرم با پرداختن به نظم و کتاب‌های عاشورایی، هر شب ضمن مرور بر یکی از قطعات ماندگار اثر بی‌بدیل زنده یاد دکتر سید حسن حسینی به مدت دوازده شب با اجرا و کتاب‌خوانی مسعود فروتن به روی آنتن شبکه آموزش سیما می‌رود. همچنین این برنامه در بخش داستان نگاهی بر آثار سیدمهدی شجاعی دارد و دکتر محمدرضا سنگری، خسرو آقایاری، محمدحسین مهدوی سعیدی (م. موید) و... در بخش شعر و ادبیات منظوم عاشورایی نگاهی به آثار مرحوم دکتر سیدحسن حسینی، مرحوم دکتر قیصر امین‌پور، دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی، افشین علا، مصطفی رحماندوست، سعید بیابانکی خواهند داشت.

برنامه «گنجشک و جبرئیل» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی امیر قمیشی هر شب به صورت زنده از ساعت ۲۰ تا ۲۲:۳۰ در فواصل برنامه‌های شبکه آموزش پخش می‌شود.

عاشورایی

کتمان رادیو جوان

رادیو جوان نمایش‌های «بازگشت»، «بی‌پرده بگو»، «خانه پدری» و «نذر امسال» را در ایام محرم ساعت ۲۳:۳۰ پخش می‌کند. نمایش سریالی «کتمان» هم به نویسندگی و کارگردانی جواد پیشگر از این شبکه پخش می‌شود.

رادیو اقتصاد هم نمایش «شب هشتم» را از دهم آبان، «نذر امسال» را از دوازدهم آبان و «بانگ رحیل» را هم از چهاردهم آبان ساعت ۲۲:۳۰ پخش می‌کند. رادیو دانش نمایش «شبیه‌خوان» را در یک قسمت پخش می‌کند. داستان این نمایش درباره مردی تعزیه‌خوان است که به دلیل مرگ مغزی به کما می‌رود، اما پسر بزرگ او حاضر نمی‌شود که اعضای بدن او را اهدا کند، تا این که بعد از رخ دادن اتفاقاتی راضی به این کار می‌شود.

نمایش‌های «نیت کن» از هشتم آبان، «نای نی» به کارگردانی مجید حمزه از دوازدهم آبان، «از کوفه تا کوفه» از سیزدهم آبان، «عبداله عبداله» از پانزدهم آبان هم از رادیو دانش پخش می‌کند. نمایش «نیت کن» درباره فردی به نام کمال است که با کمک مادرش موتور می‌خرد و در پیک موتوری مشغول به کار می‌شود تا این که یک روز مادرش مقداری طلا به او می‌دهد که برای ساخت ضریح ببرد، اما طلاها گم می‌شود و برادرش به او مشکوک می‌شود و... نمایش «نای نی» هم درباره فردی است که با وجود مخالفت‌های همسرش به سپاه یزید ملحق می‌شود و همسرش وقتی متوجه می‌شود نمی‌تواند مانع او شود خودش به سمت امام حسین(ع) حرکت می‌کند و... نمایش از کوفه تا کوفه هم درباره حبیب بن مظاهر است.

خاطرات کاغذی

بازرس
مریم فلاح:
«فقط سوت بزن بازرس!» این کارتون به گردن ما بچه‌های امروز و حتی پریروز خیلی حق دارد. این اثر که از سری کارتون‌های پلنگ صورتی است، ماجرای یک بازرس و دستیار دست‌پاچلفتی از قلب فرانسه است. (از این شخصیت در سینما هم اقتباس شد، اثری به کارگردانی بلیک ادوارد و با هنرنمایی پیتر سلرز) بازرس را با بارانی کارآگاهی و کلاه مخصوصش می‌دیدیم. دستیارش دو دو، خیلی از خودش شیک‌تر بود، لباس گروهبانی فرانسوی، شنل و چکمه مشکی و کلاه سیلندری پلیس. جمله معروفش «فقط سوت بزن بازرس!» بود.